



الزامات تحقق هویت ملی در الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی

عباس مرادی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲

چکیده:

جدیدترین عصر مرتبط با هویت ملی در انقلاب اسلامی «الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی» است پارادایم‌های هویت ملی با وجود تقدیر بسیار در ایران، قائل اعتبارند و نمی‌توان به راحتی در طراحی نقشه راه پنجاه سال آینده کنار گذاشت. صحبت از ظرفیت‌های عظیمی از فرهنگ تاریخ، زبان، سرزمین و قومیت است که خصلت ثابت و زایل نشدنی در ضمیر خود هزاران سال نقش بسته است و قابل فراموشی نیست. آیا الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت در میان همه‌های فرهنگ غربی و شرقی به نسل جدید، می‌تواند یک روایت بزرگ بدیل، بدون توجه به عناصر هویت ایرانی باشد؟ انقلاب اسلامی در گام دوم می‌تواند با تمهیدات مناسب، ضمن انعطاف‌پذیری و حفظ حرمت سابقه و تالوم در عناصر هویت ملی، الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی را با مؤلفه‌های جدید همچون: مردم‌سالاری دینی، آیندنگری و بومی‌گرایی مطبق سازد به این معنی که در الزامات مربوط به پیشرفت شاخص‌های ملی، بومی، اسلامی و تمدنی در نظر گرفته شود. روش توصیفی-تحلیلی و با رویکردی جامعه‌شناسی تاریخی آنتونی اسمیت و بهره‌گیری از ابزار کلبخنه‌ای به جایگاه هویت ملی در الگوی پیشرفت ایرانی و اسلامی می‌پردازد. هدف مقاله حاضر این است که برای حل چالش‌های امروز هویت ملی، انقلاب اسلامی نیاز به درک خصلت و جاذبه ملت در ارتباط معلوم با گذشته دارد و با تطبیق هویت ملی می‌تواند دگرگونی‌ها و نیازهای نوین جامعه ایران را مرتفع نماید.

واژگان اصلی: آینده‌نگری، بومی‌گرایی، الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی، مردم‌سالاری دینی، هویت ملی.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی، گروه معارف اسلامی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. نویسنده مسئول
-azmoradi@gmail.com

مقدمه

رخداد هدف اصلی مقاله حاضر این است که جایگاه هویت ملی در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را مورد توجه قرار دهد، تا بتواند الزامها و ظرفیت‌های الگوی بومی پیشرفت را برای کسب حداکثری هویت ملی در کشور عملیاتی و فراهم سازد. برای تحقق الگوی پیشرفت، مقوله هویت ملی می‌تواند وزن بیشتری در الگو به خود گیرد و هم وزن هویت اسلامی باشد. مسأله هویت ملی علاوه بر مؤلفه‌های سنتی؛ سرزمین، تاریخ، دین و زبان، می‌تواند در چارچوب مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای مشترک و معیارهای انسانی و حقوقی چون مردمسالاری دینی، آینده‌نگری و بومی‌گرایی تعریف کرد. پرسش اساسی این است که انقلاب اسلامی، هویت ملی را در الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی چگونه تقویت و انطباق می‌دهد؟ الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی می‌تواند چارچوبی مطمئن برای امکان تسهیل مؤلفه‌های جدید هویت ملی باشد. عنصر ایرانی بودن نقش کلیدی در تعیین نیازهایی دارد که در الگوی پیشرفت برای رفع آن‌ها طراحی و استفاده می‌شود. با وجود اهمیت عناصر سنتی هویت ایرانی، تداوم کارآمدی آن‌ها برای حل مسائل امروز جامعه ایرانی با توجه به تحولات تاریخی و تغییر در هنجارهای سیاسی ایران، مورد تردید است. تقویت فرهنگ ملی در جامعه و اصلاح رفتار سیاسی اجتماعی در سطح ملی با کمک از عناصر هویت ملی به عنوان شرط کافی در الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی به کار گرفته می‌شود و توجه به بایسته‌های آن ضروری است. از اهداف این مقاله؛ شناسایی ساز و کارهای محرک هویت ملی در تدوین سیاست‌های راهبردی مرتبط، توجه به ابعاد و سطح مختلف از قبیل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه بر مبنای الزامات و نیازهای نوین جامعه ایرانی و استفاده از ظرفیت‌های این مفهوم در سند پیشرفت، شناسایی مکانیزم‌های قابل استفاده از هویت ملی به عنوان موتور محرکه پیشرفت،

شناخت ضعف‌های نهادی-ساختاری و اتخاذ راهبردهای مناسب پژوهشی در الگو می‌باشد . مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی آنتونی اسمیت و بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای به جایگاه هویت ملی در الگوی پیشرفت ایرانی و اسلامی می‌پردازد. یکی از نکات مهم در اندیشه آنتونی اسمیت ایجاد تمایز میان «ملت‌های پیش از ناسیونالیسم» و «ملت‌های پس از ناسیونالیسم» است که با چنین تمایزی، سعی در اثبات کهن بنیاد بودن ملت و هویت در کشورهایی مانند ایران دارد. از نکات مهم اندیشه‌های اسمیت، تأکید او بر ضرورت در نظر گرفتن زمان و مکان، به کارگیری روش جامعه‌شناسی تاریخی و پرهیز از تعمیم مدل‌های نظری اروپا محور برای سایر جوامع بشری است. از دید اسمیت، جوامعی چون ایران، به‌لحاظ کهن بودن میراث سیاسی و تداوم تاریخی و فرهنگی خود، به عنوان یک چارچوب سرزمینی سیاسی، دارای ویژگی‌های تاریخی خاصی است. که آن را از سایر جوامع متمایز می‌کند. از این رو می‌توان از رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی در بررسی ملت، هویت ملی و قومیت در کشور ایران استفاده کرد. تکیه بر مشخصات فرهنگی و سوابق تاریخی و توجه به دال‌های هم‌معنی با هویت ملی در کنار مفاهیم اسلامی در تمهید الگوی مناسب پیشرفت اسلامی-ایرانی، باعث تغییر در نگرش به مؤلفه‌های هویت ملی خواهد شد. این امر به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر هنجارهای سیاسی ایران را تحت تأثیر قراردادده و دیدگاهها و ایستارهای نظام سیاسی در خصوص هویت ملی به گونه‌ای عمیق دگرگون می‌شود. در واقع، عناصر سنتی هویت ایرانی نظیر؛ تاریخ، سرزمین، اسطوره‌ها و فرهنگ مشترک اگرچه هنوز کارآمدی خود را تا اندازه قابل توجهی حفظ نموده‌اند، اما تداوم این کارآمدی‌ها را نباید بدیهی قلمداد کرد. بنابراین مسأله هویت ملی را علاوه بر موضوعات سنتی، در چارچوب بومی‌گرایی مردم‌سالاری دینی و مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای مشترک و معیارهای انسانی و حقوقی تعریف کرد. در این

راه می‌توان در کنار هویت‌اسلامی، با انعطاف‌پذیری و حفظ حرمت سابقه و تداوم در عناصر ملی و جان‌بخشیدن به سنت‌های ملی را تقویت کرد. کاربست این صورت‌بندی با نظریه ملی‌گرایی اسمیت که بدنبال درک و تحلیل چگونگی ایجاد، کارکرد و دگرگونی ملی‌گرایی در ایران، تحلیل می‌شود. نوآوری مقاله حاضر در این است که نشان می‌دهد الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت، باتوجه دادن به مؤلفه‌های جدید هویت ایرانی می‌تواند به تقویت هویت ایران امروز کمک نماید.

۲. طرح مسئله:

۱-۲) پیشینه پژوهش: حمیداحمدی (Ahmadi, ۲۰۰۸) در کتاب «بنیادهای هویت ملی ایرانی» نیازهای نوین جامعه ایران به‌مثابه «حقایق نوین» مطرح و پنج نیاز اساسی؛ ۱. نیاز به آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی (۲) نیاز به دسترسی برابر فرصت‌ها و امتیازات ملی، ۳. نیاز به توزیع عادلانه ثروت بین مناطق گوناگون کشور، ۴. نیاز به نبود تبعیض جنسی و برابری حقوق زن و مرد، ۵. نیاز اقلیت‌ها به برخورداری از حقوق و امتیازات برابر با سایر ایرانیان، به‌عنوان نیازهای برآورده نشده عمده جامعه ایرانی مورد بحث قرار داده است. حمیدرضاجلانی‌پور (Jalaipour, ۲۰۱۱) در مقاله «دفاع از ملی‌گرایی» درباره تجربه سازگاری و عدم سازگاری ملی‌گرایی با مردم‌سالاری در ایران، پاسخ‌هایی که ملی‌گرایی مدنی و قومی ایران را با مردم‌سالاری سازگار ندانسته (یا سازگار می‌دانند) پاسخ‌هایی قابل دفاع و روشن نمی‌داند، و دلایل رجحان ملی‌گرایی مدنی در ایران و گونه ملی‌گرایانه مورد توجه جنبش حقوق‌شهروندی اخیر را مطرح می‌نماید. به‌همین دلیل جنبش مردم‌سالار یکی از جنبش‌های بی‌بدیل ایران است. از نگاه سید جواد طباطبایی (Tabatabai, ۲۰۰۴) در تعامل هویت ایرانی اسلامی، اگر بخواهیم از دو هویت مورد بحث، یکی را اصل و دیگری را طفیلی بدانیم، هویت

ایران شهری، هویت اصیل و مادر و هویت اسلامی این مرز و بوم طفیلی و حاشیه‌ای است. از دیدگاه طباطبایی، ایرانیان به آن بخش از اسلام بسنده کردند که با بنیاد هویت ایرانی در تعارض قرار نمی‌گرفت. اما با پایان دو قرن سکوت ایرانیان توانستند بسیاری از نمودهای فرهنگ و تمدن ایران را تجدید کنند. در هویت ملی ما ایرانیان مشکل آنجاست که به سبب تداخل فرهنگ و در گذر زمان می‌توان از تأثیرات سه نوع هویت با هم سخن به میان آورد، فرهنگ و تمدن ایرانشهری، فرهنگ و تمدن اسلامی و فرهنگ و تمدن غربی. اینکه من اصیل ما دینی است یا غیر دینی، افتخارات عمده ما سبقه ملی دارند یا سبقه مذهبی، موضوعی است که در دهه‌های اخیر ذهن بسیاری از متفکران را به خود مشغول کرده است. استاد مطهری (۱۹۹۶، Motahari) از خدمات متقابل اسلام و ایران سخن گفته‌اند و ضمن اصلاح دیدگاه‌های انحرافی، دو عنصر اصلی یعنی ایرانی بودن و علاقه به اسلام را مطرح می‌کند، که هر دو با هم تحول یافته‌اند و هویت دو رویه‌ای را برای ایرانیان ایجاد کرده‌اند. او در این کتاب، توجه عمیق رهبران مذهبی به عناصر ملی ایران را نشان داد. ایشان در این کتاب می‌نویسد «ما صاحب عقاید مذهبی اسلامی هستیم همان‌گونه که صاحب عقاید ایرانی هستیم». فرهنگ رجایی (۲۰۰۶، Rajaei) در باب هویت ملی ایرانیان از الگوی نظری «هویت رودخانه‌ای» تبعیت می‌کند و به نظریه‌ای ترکیبی اعتقاد دارد که مبین لحاظ کردن توأمان چهار عنصر ایران، اسلام، سنت و تجدد است؛ مانند رودخانه‌ای که به جلو می‌رود و هر دفعه رسوباتی دارد. او می‌گوید که ایرانیان با اسلام کنار آمده‌اند و آن را به‌عنوان هویت اصلی خود پذیرفته‌اند؛ در دو‌یست سیصد سال گذشته نه ما توانستیم تجدد را هضم کنیم، نه تجدد ما را هضم کرد، هنوز داریم با هم می‌جنگیم. اگر ما توانستیم تجدد را مثل فارابی بومی کنیم می‌شویم «مؤسس»، همان طور که فارابی مؤسس فلسفه اسلامی است، چون پدیده پیچیده‌ای مثل فلسفه را بومی کرد. طبق

نظریه ذات و پیرامون موسی نجفی (۲۰۱۹، Najafi)، هر ملتی برای خود ذاتی دارد که حقیقتی را بیان می‌کند، این حقیقت می‌تواند روح ملی یک ملت را نشان دهد. بر این اساس اسلام نزد ایرانیان با این ذات مساوی و هماهنگ شده است. این ذات برای ایرانیان نوعی حقیقت‌خواهی و دینداری است که با عنصر تعالی‌خواهی موجود در اسلام هماهنگ است. داوری اردکانی (۲۰۰۰، Davari) داوری زمان تماس ما با غرب را در دوره ضعف تمدنی می‌داند در حالی که تماس ما با اسلام در دوره‌ای بوده است که از نظر تفکر در اوج بودیم. به واسطه انقلاب اسلامی «مای تاریخی» به «تجدید عهد» پرداخته است. در بحث مرتبط با هویت ایرانی، داوری به نظریه خویش با عنوان «نظریه سه فرهنگ» تأکید می‌ورزد یعنی هویت ایرانی تحت تأثیر سه فرهنگ ایران، اسلام و غرب بوده است. خسرو پناه (۲۰۲۲، Khosrupanah) در خصوص الگوی ایرانی-اسلامی، نظر متفاوتی دارد. آن الگویی که بتواند نیازهای یک جامعه اسلامی را سامان‌دهی نماید، الگویی اسلامی است، هر چند محصول کار فکری غیر مسلمانان باشد. سه رویکرد را در تنظیم الگوی مطلوب ایرانی و اسلامی مطرح می‌کند (۱) رویکرد مبتنی بر نگرش «فقه سنتی» نیز شناخته می‌شود. در این رویکرد مؤثرترین بخش دین در تدبیر و تنظیم روابط، فقه است و فقه اسلامی است که به ما قیدها را می‌دهد (۲). نگرش فلسفی: در این رویکرد، فلسفه و کلام اسلامی، فروض الگوی پیشرفت را به ما می‌دهد و بر خلاف رویکرد پیشین که از علوم اسلامی بیش از همه وامدار فقه بود، این رویکرد متکی بر فلسفه و کلام است. (۳) رویکرد مبتنی بر جامعه‌شناسی معرفت و روان‌شناسی معرفت است، زمینه‌های ارزشی حاکم بر ذهن‌اندیشمند مسلمان، بیشترین نقش را در شکل‌دهی الگوی اسلامی دارد. نگاه کانتکسی به رویش معرفت، گرچه وجه مشترک این دیدگاه به شمار می‌رود. زاهدی مازندرانی (۲۰۱۹، Zahedi) در مقاله «نقد سند الگوی پایه اسلامی-ایرانی

پیشرفت از منظر الزامات توسعه» این سؤال اساسی را مطرح می‌کند که محتوای الگو متناسب با واقعیت کنونی جامعه ایران تدوین شده است یا برای جهانی خیالی است؟ نویسنده مدعی می‌شود، در قسمت‌های اساسی سند، تنها آموزه‌های دینی اسلامی بازگو و تصویب شده است. در حالی که به جنبه‌های اصلی مورد نیاز یک سند توسعه‌ای یعنی اصول و چارچوب علمی و الزامات این عناوین توجهی نشده است. به اذعان وی، در مجموع حدود ۳۵۰۰ کلمه این سند، ۵۳ درصد شرح آموزه‌های دینی و ۴۷ درصد مربوط به تدابیر است. الگو اشاره‌ای به وضع موجود ایران ندارد، تدابیر و مشکلات احصاء شده خاصی نیست، بلکه صرفاً کلی‌گویی‌هایی مبتنی بر شعور عام است. روند و مسیر حرکت جامعه ایران و آینده این جامعه را به صورت روشن و قابل درک به تصویر نکشیده است و در نهایت این سند، برای جهانی خیالی است زیرا متناسب با واقعیت جامعه ایران نیست و غیرکاربردی و غیراجرایی به نظر می‌رسد. این سند مربوط به ۵۰ سال آینده زندگی در کشور است و در واقع تصویرگر سرنوشت شهروندان کشور است و متأسفانه کاملاً مبهم است و واقع‌بینانه کارگشا و امیدبخش نیست.

۲-۲) مفهوم هویت ملی:

۲-۲-۱) مفهوم هویت؛ از نظر لغوی به معنای هستی، وجود، شخصیت و سرشت است (amid, ۱۹۵۸: ۲۲۱). هویت به درک و فهم افراد از خودشان به عنوان یک وجود مشخص و متمایز اشاره دارد (Cot & Levine: ۲۰۰۲: ۱۷). هویت مرز ما با دیگران است. شایع‌ترین کاربرد هویت در بحث هویت ملی می‌باشد (Ahmadi, ۲۰۰۹: ۸۸).

۲-۲-۲) تعریف هویت ملی: آنتونی اسمیت هویت ملی را «بازتولید و باز تفسیر الگوهای ارزشی، نمادین، حافظه‌ها، اسطوره‌ها و سنت‌هایی که سبب تمایز میراث ملت‌ها از یکدیگر شده و به افراد با این الگو و میراث، هویت می‌دهند» (smith, ۲۰۱۴: ۱۴) در بعد سیاسی،

هویت ملی؛ مبتنی بر تشابه منظم و معنا دار بین گروهی از افرادی به نام ملت دلالت دارد که در چارچوب یک سرزمین و دولت ملی زندگی می‌کنند و احساس مشترک به آن‌ها دارند (Qaisari, ۱۹۹۲: ۳۵). از نظر پارخ هویت ملی دارای سه جزء بدین شرح است: نخست؛ بنیان مشترکی از اجتماع سیاسی که شامل قوانین و هنجارهای مورد توافق هستند، دوم؛ تصویری از ملت که میان اعضای اجتماع ملی مشترک است و سوم احساس وفاداری و تعهد شخصی به این اجتماع سیاسی. از نظر پارخ، عناصر دوم و سوم در هویت‌شناسی فردی اهمیت بیشتری دارند، به‌همین جهت او هویت ملی را «درک شخصی افراد که انعکاس دهنده کیفیات اعضای یک ملت در مورد خودشان است می‌داند، کیفیاتی که مطلوب آن‌ها است و خواهان داشتن آن هستند» تعریف می‌کند. (۴۲-۱۷: ۲۰۰۰: patrik)

۲-۳) عناصر اصلی هویت ملی: طبق تعاریف فوق، هویت ملی می‌تواند از ابعاد و مؤلفه‌های مختلف اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی، زبانی ادبی برخوردار باشد، که در این مقاله در پنج عنصر سرزمین، تاریخ، زبان و دین و دولت می‌پردازیم؛

۱-۲-۳) سرزمین مشترک: سرزمین صرفاً مبنای مادی یک ملت نیست؛ بلکه خود سازنده روح همبستگی و وحدت ملی است؛ سرزمین؛ وسیله تحقق استقلال دولت و آزادی عمل قدرت سیاسی بوده و به نخبگان سیاسی این مجوز حقوقی را می‌دهد که در داخل محدوده سرزمینی خویش، بدون دخالت دیگران به فرمانروایی و حاکمیت خود ادامه داده و قادر باشند زندگی جمعی شهروندان را تحت نظم درآورند. آزادی عمل و استقلال ملت‌ها ایجاب می‌کند که هریک، از وطن و سرزمین مشخصی برخوردار باشند و بالاخره، سرزمین به ملت تجسم و عینیت بخشیده و موجب بقاء حاکمیت ملی می‌گردد. (۳۳-۳۱: ۲۰۰۱: Tabatabai-Motmani)

۲-۳-۲) اسطوره و تاریخ: بعد تاریخی و هویت ملی شامل؛ آگاهی افراد یک جامعه به گذشته

تاریخی و دلبستگی به آن می‌باشد. این احساس سرنوشت‌پنداری، نسل‌های مختلف یک ملت را به هم پیوند می‌دهد (Gudarzi, ۲۰۱۳: ۲۸). بازیابی هویت ایرانی را باید برای نخستین بار در ادبیات اسطوره‌ای دقیقی طوسی و سپس ابولقاسم فردوسی جستجو کرد. آن‌ها عصر اسطوره‌ای و عصر تاریخی ایران باستان را در قالب‌های ادبی زبان فارسی درآوردند و بدین‌وسیله با تلفیق چندگانه تاریخ، اسطوره شعر و نظم فارسی در حفظ هویت ایرانی تلاش گسترده‌ای کردند. (Rastagari Fasaai, ۲۰۱۳: ۱۳&۵۵) کنت دوگوبینو از نظریه‌پردازان بزرگ نژادپرستی، زمانی که به‌عنوان سفیر فرانسه در دربار ناصرالدین‌شاه حضور داشت، در کتاب «سه سال در آسیا» اظهار تعجب می‌کند که چگونه این همه آگاهی تاریخی و علاقه به تاریخ در ایران زیاد است؛ به طوری که هر شب در قهوه‌خانه‌ها در هر روستایی مردم جمع می‌شوند و به «کنفرانس تاریخی» می‌پردازند که منظور وی همان نقالی‌های شاهنامه است. گوبینو سپس می‌افزاید امروزه در روستاهای فرانسه بسیاری از مردم حتی ناپلئون را نمی‌شناسند، اما ایرانیان از رویدادهای چند هزارساله پیش خود آگاهند (Saqebfar, ۲۰۱۳: ۲۴۴). با این وجود، اسطوره و تاریخ ایران از دوران نخستین آن تا به امروز، شکل‌دهنده نگرش و گاه شخصیت ایرانی بوده و بنیان مهمی برای شناخت ایرانیان از خود و شناساندن خود به دیگران و به عبارت دیگر هویت آنان به شمار می‌رود. (Ahmadi, ۲۰۰۴: ۵۲)

۳-۲-۳) دین: مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و احساسات فردی و جمعی است که حول مفهوم حقیقت‌غایی سامان یافته است. دین‌باوری بر محور یکتاپرستی، در ایران قدمتی به اندازه تاریخ این سرزمین دارد. فرهنگ و تمدن ایران، با تکوین دولت ماد و اقتدار آن در جهان باستان، پس از سقوط دولت آشوری، صورتی سیاسی-روحانی یافت (Madadpour, ۲۰۰۸: ۵۴). براین اساس، ایرانیان باستان، چه در دوران دینی و چه در دوره اساطیری، موحد بوده‌اند و

هیچ‌گاه کثرت و تعداد مبدأ آفرینش را نپذیرفته‌اند. ارکان فرهنگ ایرانیان هم‌چون، علم، عرفان، شعر و مظاهر آن‌ها، خصوصاً در معماری و دیگر میراث‌فرهنگی و هنری، نماد و نشانه تعالی روح پرستش توحیدی این ملت در طول تاریخ است. شاعران، هنرمندان، فیلسوفان و ارباب‌معرفت و اصحاب حوزه‌های علمی و فرهنگی نیز آیه‌های روشن حقایق تعبد و معنویت ایران هستند. (Harsiji, ۲۰۱۹: ۶۳). تا زمان ورود اسلام به ایران، آیین زرتشتی، دین غالب و رسمی مردم بود. با ورود اسلام به ایران، به‌تدریج شاهد شکل‌گیری یک هویت اختلاطی ایرانی اسلامی هستیم، که در ادوار بعد عناصری دیگر نیز بدان افزوده می‌شود (Jafarian, ۲۰۰۸: ۱۲). با روی کار آمدن صفویان در ایران بار دیگر جغرافیای مذهبی این سرزمین دست‌خوش تغییر گردید و پس از آن بطور نسبی پایدار ماند. اتکا به دین برای سلسله صفویه وسیله مطمئنی بود که استقلال کشور را حفظ کنند.

۴-۳-۲) زبان فارسی: زبان به عنوان منبع و مخزن فرهنگ، اسطوره و خاطرات ملی است (Smith, ۲۰۱۴: ۳۷۶). بی‌گمان عامل زبان بستر بی‌بدیل حفظ هویت‌های قومی، ملی و حتی در جوامع بسته و مهجور به حساب می‌آید. زبان فارسی در دوران صفویه در کنار اسلام قرار گرفت و تشخیص جدیدی به ایران مسلمان داد و مسلمان ایرانی را از خیل مسلمانان دیگر تا حدودی متمایز و مشخص کرد. زبان فارسی با اینکه یکی از ارکان اصلی هویت ایرانی است و بعد از انقلاب مشروطه به عنوان زبان ملی ایران تبلیغ و شناخته شده، اما هویتی بسیار فراتر از فلات ایران دارد (Harsiji, ۲۰۱۹: ۱۷۲). امروزه در اوج دوره مدرن و سورئال و پست مدرن و رئالیسم جادویی، زبان مولوی، نظامی، عطار و عین‌القضات کم‌کم دارد بهتر فهمیده می‌شود و دنیای کنونی بیش از هر زمان دیگری نیاز خود را به این گنجینه سرشار از معنویت و هویت درک نموده است. (Qobadi&Ghiyathuddin, ۲۰۰۴: ۱۴۳) همچنین امتیازات ذاتی زبان

فارسی باعث شده تا اینکه زبان فارسی در خارج از کشور نیز به عنوان مخرج مشترک گروه‌های مختلف ایرانی و شناسه اصلی ایرانیان مقیم خارج ایفای نقش کند. (۸۰: ۲۰۰۴، Boroujerdi) زبان فارسی، سایر زبانهای ایرانی همچون ترکی و آذربایجانی، کردی، بلوچی، عربی از عناصر سازنده هویت ملی ایران هستند که در طول تاریخ در شکوفایی زبان فارسی نیز سهم بوده‌اند. قانون‌گذار در اصل پانزدهم قانون اساسی، زبان فارسی را زبان مشترک ایرانیان می‌خواند.

۵-۳-۲) دولت ملی: بدون تردید چارچوب کشور-ملت در عصر ما بالاترین عرصه سیاسی و در عین حال مهم‌ترین قالب حقوقی برای حمایت فرد و شکوفایی استعدادهاى فردی است (۱۹: ۱۹۷۱، Abolhamd). آنچه گروه انسانی را در قالب یک ملت گرد هم می‌آورد، عناصر گوناگون و دیرپایی چون تاریخ مشترک، فرهنگ مشترک، سرزمین واحد، برخورداری از مرزهای شناخته شده توسط دیگر واحدها و از همه مهم‌تر، نهاد سیاسی اداره‌کننده آن سرزمین است (۸۱: ۲۰۰۴، Ahmadi). از دیدگاه سیاسی دولت یک نهاد انتزاعی یا ذهنی است که از طریق دولت‌مردان، آیین‌ها، قوانین نرم‌افزاری، تأسیسات و تسهیلات اداری و نظام به صورت عینی درآید. (۵۶: ۲۰۰۲، Sheikhavandi)

درخصوص خاستگاه، منشأ و سیر تحول ملت، ملیت و هویت ملی دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. که در دو مکتب اصلی کهن‌گرایان و نوگرایان تقسیم‌بندی شده‌اند. طبق نظر گروه نخست، ملیت و قومیت، ماهیت ابتدایی و بنیادین زندگی بشری هستند (۱۲: ۲۰۰۲، Ahmadi). گروه دوم، این پدیده را محصول دوره نوین و تحولات سیاسی-اقتصادی معاصر زندگی بشری می‌دانند و تحول اجتماعی ناشی از تجدد درخور توجه فراوان است با آنچه هویت ملی به معنای امروزی آن پدیده‌ای تازه است و هویت ملی امروز

ایرانیان از دوران مشروطیت و به خصوص در دوران پهلوی شکل گرفته است. اما نوعی هویت جمعی با تصور ایرانی بودن در معنای یکپارچگی سیاسی قومی دینی زبانی و زمانی و مکانی آن در دوران ساسانیان ساخته و پرداخته می‌شود. این مقاله در بررسی هویت ملی ایرانی درارتباط با الگوی پیشرفت ایرانی و اسلامی، عناصری از هر دو رویکرد را مدنظر دارد، چرا که هویت ملی نیز مانند بسیاری از مقوله‌های دیگر امری دفعی و آنی نبوده و تشکیل آن نیازمند طی مراحل و از سوی دیگر مواجهه هویت ایرانی با عناصر جدید، در عصر حاضر مستلزم توجه به مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی است. با این وجود، هم عناصر کهن و هم عناصر جدید هویت ایرانی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳) الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی:

انقلاب اسلامی هسته آغازین ایرانیت در عرصه سیاست بوده و انتقال محتوای اصلی تاریخ ایران به زمان حال بوده است (Tahaei, ۲۰۱۶: ۱۰). این تحول برآمده از کوشش تاریخی نسل‌هایی است که از سویی دغدغه و توسعه نیافتگی و گسترش بی‌عدالتی در کشور را داشتند، و از سوی دیگر راه‌گذار از این وضعیت نابسامان را در بی‌توجهی به هویت غیرخود می‌دانستند. در تلقی آن‌ها هویت دینی و ایرانی، آن مبنای اساسی بود که می‌توانست به‌عنوان زمینه حرکتی برای آینده بهتر باشد. این تعلق دوگانه هویت، خود زمینه ساز تعبیری از توسعه شد که می‌توان آن را الگوی بومی پیشرفت اسلامی-ایرانی نامید. به نظر می‌رسد یکی از الزامات الگو، توجه به وضعیت و ظرفیت هویتی و تأمل هرچه بیشتر در مقوله شناخت رویکردهای روش‌شناختی هویت ملی در الگو است. رویکرد تاریخی و تمدنی به کشف ظرفیت‌های تاریخی دراندیشه و تمدن ایرانی اهتمام می‌ورزد، ضمن بازشناسی ادبیات نهفته درون تاریخ ایران، مسیر تحقق را با توجه به دگرگونی‌های تحولات موجود دنبال می‌کند. هر الگویی برای

مدل‌سازی پیشرفت زمانی می‌تواند به صورت ساختارمند ماندگار شود که دارای یک چهارچوب معرفت‌شناختی باشد. فهم این نظام معرفتی کلید شکل‌گیری این الگو به شمار می‌رود. (Anbari, 2011: 95) الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت گفتمانی است متعلق به انقلاب اسلامی، در دهه پنجم که درصدد جایگزینی با «گفتمان توسعه» است. نیازمند دانشی اصیل، ملهم از منابع و روش ایرانی-اسلامی در موضوع‌شناسی اجتماعی است.

۱-۳) مفهوم الگو

الگو از نظر لغوی به مفهوم سرمشق، محتوا و اسوه معنا شده و در اصطلاح عبارت از بیان یک و یا چند واقعیت به هم مرتبط توسط نمادهای مختلف نوشتاری، ترسیمی یا فیزیکی است (Zolfigol, 2011: 182). الگوها، بازنمایی‌های ساده شده موقعیت یک مشکل هستند. آن‌ها در واقع سازه‌های ذهنی مبتنی بر مفهوم‌سازی و مشخص کردن عناصر یک موقعیت هستند. الگوها سودمند و حتی ضروری هستند؛ آن‌ها پیچیدگی‌هایی را که تحلیلگران در تحلیل خود با آن‌ها مواجه هستند، کاهش داده و این پیچیدگی‌ها را قابل مدیریت و کنترل می‌کنند. آن‌ها کمک می‌کنند تا ویژگی‌های اساسی از ویژگی‌های غیر ضروری تشخیص داده شود و نیز روابط بین عوامل یا متغیرهای مهم را برجسته می‌کند. الگوها توصیفاتی محض، و مو به مو، مطابق با واقعیت خارجی نیستند، آن‌ها ابزارهای مصنوعی و ساخته ذهن بشر برای نظم دهی و تفسیر هستند. (Emami, 2012: 13) الگویی برای مدل‌سازی پیشرفته زمانی می‌تواند ماندگار شود که دارای یک چهارچوب معرفت‌شناختی باشد، فهمیدن نظام معرفتی، کلید شکل‌گیری به‌شمار می‌رود. از این رو، عناصر کلیدی مرتبط با الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران برگرفته از نظام معرفتی و احکام حاکم بر اسناد فرادستی و راهبردی همچون قانون اساسی، سند چشم‌انداز سیاست‌های کلی نظام است. لذا مسأله استفاده و یا عدم استفاده از

مدل‌ها نیست، بلکه مسأله یک انتخاب از میان مدل‌های مختلف است. مدل‌ها نه تنها برای توصیف تبیین و پیش‌بینی مورد استفاده قرار می‌گیرند بلکه با پیشنهاد و روش‌ها و مجموعه‌ای از اقدامات برای بهبود نیز استفاده می‌شوند (Emami, 2012: 13).

یک الگوی پیشرفت ملی و بومی براساس قالب هویت‌ملی، جهت‌گیری‌های پیشرفت کشور در بلند مدت می‌باشد و باید دیدگاهی شفاف و کاربردی از چشم انداز توسعه ملی در عرصه جهانی ارائه نماید. این الگو باید دربردارنده جهت‌گیری‌های اساسی و تعیین‌کننده اولویت‌ها در سطح ملی باشد. الگوی پیشرفت ملی باید متکی بر مبانی علمی و در چارچوب اصول و ارزش‌های ملی بوده، ضمن آن که امکانات و قابلیت‌های سرزمینی، محدودیت‌ها و تنگناهای موجود کشور را نیز در برگیرد (Emami, 2018: 226). مهمتر از تعریف الگو و مشخص کردن ابعاد آن، برنامه‌ریزی برای اجرای الگوی و تلاش همه جانبه به منظور افزایش ظرفیت‌ها و پویایی‌های نظام ملی در همه ابعاد و زیر مجموعه‌های سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی است، تا حدی که نظام ملی قادر به پاسخگویی به نیازهای فزاینده و سازگاری و تعامل با شرایط متغیر داخلی و خارجی شود. باید توجه کرد که دولت تنها بازیگر در فرآیند پیشرفت ملی نیست، در کنار دولت بازیگران داخلی یعنی بازار، جامعه مدنی، گروه‌های سیاسی مخالف، افکار عمومی و همچنین بازیگران بین‌المللی نیز قرار دارد.

۲-۳) مفهوم پیشرفت:

توسعه از دیدگاه ارگانسگی چیزی جز افزایش توان دولت به منظور استفاده از منابع انسانی مادی جهت نیل به اهداف ملی نیست. (Rush, 2008: 201) از دید آوینی، توسعه‌ای که نتیجه‌ی حاکمیت سرمایه یا سرمایه‌داری و اصالت بخشیدن به اقتصاد، نسبت به سایر وجوه حیات بشری است، محصول مادی‌گرایی و تبیین مادی جهان و طبیعت است. در نظام اعتقادی

ما آن توسعه‌ای معتبر است که بر تعالی روحی بشر تکیه دارد. (Avini, ۲۰۱۹: ۲۰) لذا بر اساس آموزه‌های اسلامی، پیشرفت تنها جنبه‌های مادی را در بر نمی‌گیرد، بلکه جنبه‌های معنوی رشد و تعالی انسانی را نیز مورد اشاره قرار می‌دهد. به عبارت دیگر اصطلاح پیشرفت، سعادت بشری را هم در قسمت مادی و هم در بخش معنوی در بردارد.

مباحث نظری توسعه در ایران قدمت آنچنانی ندارد. چرا که مباحث توسعه از ابتدا پیش از آنکه در محافل علمی و دانشگاهی مطرح شود، در محافل کارشناسی حکومت و با هدایت مستشاران خارجی نظیر شرکت موريس نودسن مطرح شد. پس از انقلاب نیز همواره این بحث در محافل کارشناسی حکومت، جدی‌تر از دانشکده‌ها و پژوهشکده‌ها بوده است (Emami, ۲۰۱۸: ۲۱). از اواسط دهه ۱۹۸۰ به این سو، اشتیاق به تدوین الگوهای مناسب‌تر برای دستیابی به رشد و توسعه را که با موقعیت بومی و محلی کشورها سازگارتر باشد، بیش از پیش، در دوران پس از پایان جنگ سرد افزایش داد. از نظر فوکو در گفتمان مدرنیته، تاریخ گفتمان‌های غیر غربی، فاقد تاریخ و هویت تاریخی عنوان شده‌اند. هر فرهنگ و هر دورانی الگوی خاص خود را از عقلانیت و خردباوری می‌آفریند و نمی‌توان به کمک یک سرمشق و الگوی واحد، موقعیت اندیشه علمی روزگاری دیگر را مورد سنجش قرار داد. با این اعتبار مسیر تکاملی اصولاً در میان نیست، کوهن هم با طرح انقلاب شناخت‌شناسانه و گذار از سرمشق مسلط و پذیرفته شده تا حدود زیادی به مفهومی که فوکو از گسست ارائه کرده است نزدیک شده است. (Chalmers, ۱۹۹۵: ۱۱۳) با استناد به این نظریات، هرگونه تلاش برای تحمیل الگوی توسعه خطی به سبک مدرنیته غربی در جوامع جهان سوم محکوم به شکست خواهد بود. به‌طور کلی اندیشمندان پست مدرن از جمله فوکو، دریدا، لیوتار، مدعی هستند که تاریخ مراحل اجتناب ناپذیری ندارد. هیچ جبر تاریخی و هیچ قانون‌مندی کلی در کار نیست

که همه گفتمان‌ها تابع آن باشند. بنابراین نمی‌توان هیچ نظریه عمومی عرضه کرد که ناظر و شامل بر تجربه همه کشورها و همه زمان‌ها باشد. به تعبیر ادوارد سعید، قلمداد «توسعه نیافته»، «عقب مانده» یا «ستی» از «خود» و لزوم تقلید و تبعیت از دنیای «توسعه یافته»، «پیشرفته» و «مدرن»، در قالب برنامه‌ها، پروژه‌ها و راهبردهای توسعه، به جای حل و رفع مسائل و مشکلات، نتیجه‌ای جز بن‌بست و تداوم بحران ندارد، تا حدی که در واکنش به این نارسائی‌ها و تناقضات، اینک انواع مختلف بنیادگرایی مذهبی، سنت‌گرایی و جهت‌گیری‌های مبتنی بر قومیت و نژاد گسترش یافته است (saeed, ۱۹۷۹: ۸۸). در این روش، باید توسعه تبدیل به فرآیندی درون‌زا شود که از دل ارزش‌ها و فرهنگ جامعه برآمده باشد تا به این ترتیب از مقاومت‌ها و واکنش‌های اقصای مختلف جامعه بکاهد.

الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی یک منظومه جامع و فراگیر است که تماماً ریشه در هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی دارد و نه یک گفتمان تاریخی بدان‌گونه که، گفتمان پست مدرن ادعای مسلط شدن آن را دارد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت الگوی متفاوتی از الگوهای تک‌خطی و پست مدرن ارائه می‌نماید (Harati & Azermi, ۲۰۰۰: ۱۶۲).

جمهوری اسلامی ایران برای رهایی از دام الگوهای القایی غربی و ترسیم الگوی توسعه مقاومت‌هایی را در مقابل تصویر القایی غرب از خود نشان داده است که سبب شکل‌گیری هویت مستقل متمایز جمهوری اسلامی ایران در مناسبات بین‌المللی شده است. متفاوت بودن شرایط زمانی و مکانی هر کشور و همین‌طور مبتنی بودن بر مبنای فلسفی و معرفتی متفاوت، لازم است که الگوی متناسب با جامعه با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی ایران طراحی شود. لذا مسئولان و مدیران ارشد کشور تصمیم گرفتند

که الگوی پیشرفت بر اساس زیست بوم ایران را تدوین کنند. (Emami, ۲۰۱۲: ۲۲) الگوی پیشرفت با تأکید بر درون‌زایی بومی و سازگار بودن الگوی پیشنهادی با حقایق و واقعیات و خواسته‌ها و آرمان‌های ملی منعکس شده و برخاسته از متن راهبردی قانون اساسی خود است. بدان دلیل که هر کشوری واقعیاتی و هر ملتی خواسته‌هایی دارند که می‌توانند از واقعیات کنونی با آرمان‌های آینده ملت‌ها و کشورهای دیگر متفاوت و متمایز باشند. الگودهی‌های جدید از جمله مفهوم «پیشرفت اسلامی- ایرانی» نیز با ایده هویت در میان عوامل و مؤلفه‌های داخلی، توجه به رفتارها و شیوه‌های مدیریتی و سازمانی و ظرفیت‌های نظری و علمی، بسیار با اهمیت هستند. در واقع توفیق و ثمرات الگو، تابعی از تحولات در این مؤلفه هاست. (Anbari, ۲۰۱۱: ۸۸)

۳-۳) ایرانیت-اسلامیت

الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت تکمیل و متمم نظام‌سازی در جمهوری اسلامی ایران است. نظام‌سازی اساساً یک پدیده اجتماعی است و موضوع تصرف آن جامعه است (Pirouzmand, ۲۰۱۶: ۶۶). در این الگو اسلامی بودن روح و ایرانی بودن جسم پیشرفت را تشکیل می‌دهد (Arab, ۲۰۱۸: ۱۵). ایرانی بودن الگو بدین معنا است که ایرانیان با بهره‌گیری از میراث حکمت عملی ایران و با لحاظ شرایط و ویژگی‌های طبیعی، اقلیمی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران، توجه به مطالبات تاریخی و نیز روحیه و خلیقات ایرانی، الگو را طراحی و تولید کرده‌اند. الگوی پیشرفت ظرفی دارد آن اسلامی و ایرانی بودن آن است این ظرف اسلامی و ایرانی از هم جدا نیست. اسلام بر ایران هویت بخشید و ایران نیز موجبات گسترش اسلام را فراهم نمود، این الگو از سوی متفکران ایران مسلمان شکل گرفت و الگوی کاملاً ایرانی و متناسب با بوم کشور ایران است. الگوی کلان توسعه در ایران و حرکت به

سمت تحقق و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مستلزم تامل به ابعاد و ساحت‌های گوناگون حیات افراد جامعه ایران به مثابه انسان ایرانی-اسلامی است. مهم‌ترین مقوله برای آغاز ادبیات پیشرفت ایرانی اسلامی، مفهوم هویت است. به نظر می‌رسد یکی از تمهیدات مهم الگو، رویکرد تاریخی-تمدنی و کشف ظرفیت‌های تاریخی دراندیشه و تمدن ایرانی است. بازشناسی ادبیات نهفته در تاریخ ایران، مسیر تحقق را با توجه به دگرگونی‌های تحولات موجود دنبال می‌کند. گویی مدل‌سازی پیشرفت زمانی می‌تواند به صورت ساختارمند ماندگار شود که دارای یک چهارچوب معرفت‌شناختی باشد (۴۱: ۲۰۰۸، Salimifar). این رویکرد هویت‌ملی می‌تواند در چهار محور مهم الگوی ایرانی و اسلامی پررنگ‌تر ظرفیت‌سنجی شود؛

محور اول: تبیین الگوی توسعه اسلامی ایرانی: ارائه مبانی و روش‌شناسی، ورود مفاهیم و ارزش‌های دینی در الگوی توسعه ایرانی-اسلامی؛ مختصات توسعه ارزش محور و بومی محور دوم: راهکارهای ایجاد جامعه‌ای با افراد متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی ملی و انقلابی و پایبند به انقلاب اسلامی

محور سوم: شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن؛ راهکارهای ایجاد جامعه‌ای با افراد فعال مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن و رضایت‌مند؛ راهکارهای ایجاد جامعه‌ای با افراد برخوردار از انضباط، روحیه تعاون و سازگار اجتماعی

محور چهارم: تبیین رویکرد الگوی توسعه اسلامی ایرانی در امور سیاسی و امنیتی.

۴) صورت‌بندی جدید هویت ملی

سند الگوی پایه اسلامی-ایرانی پیشرفت که توسط مرکز اسلامی-ایرانی پیشرفت تکمیل شده و از شش قسمت تشکیل شده است که مشتمل بر (۱) جامعه‌شناختی (۲) مبانی دین شناختی (۳) مبانی خدا شناختی (۴) مبانی انسان شناختی (۵) جامعه‌شناختی (۶) مبانی ارزش

شناختی، که در چارچوب آن خطوط کلی جامعه اسلامی را برای ۵۰ سال آینده رسیم می‌کند. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سندی بالادستی به حساب آمده و در افقی بلند مدت تبیین می‌شود، لذا باید ارتباطات و پیوستگی آن با سایر خط‌مشی‌گذاری‌های و سیاست‌گذاری‌ها کلان نظام مورد توجه قرار بگیرد. توجه به مؤلفه‌های بومی هویت ایرانی در پیشرفت جامعه ایران ضرورتی انکار ناپذیر است. در این راستا، درکنار توجه به مؤلفه‌های هویتی ایرانی چون؛ شرایط تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، ترسیم صورت‌بندی‌های جدید تمدنی و هویتی، مانند، مردم‌سالاری دینی، بومی‌گرایی و آینده‌نگری در فرایند پیشرفت، لازم است. این مؤلفه‌ها می‌توانند، به سازماندهی الگو و مدل پیشرفت بسیار کمک شایانی کنند. زیرا ایجاد هویت ملی و تمدنی نخستین مرحله از حرکت و پیشرفت است.

۱-۴) مردم‌سالاری دینی

گفتمان مردم‌سالاری دینی، مجموعه‌ای از قراردادهای زبانی است که تعریفی مردم‌سالارانه از مناسبات و ملاحظات انسانی-اجتماعی در چارچوب نظام صدقی دینی ارائه می‌نمایند. (Tajik, ۲۰۱۲: ۱۰۵) این گفتمان حاصل تأملات نظری برخی اندیشمندان در چارچوب فکری نوگرایی دینی و در تعامل با زمینه‌های سیاسی اجتماعی نمایان است. این نظریه متأثر از اندیشه‌های امام‌خمینی است که توسط آیت‌الله‌خامنه‌ای ارائه شد. این گفتمان، با اجرای الگوی تلفیقی جمهوریت و اسلامیت درحوزه سیاسی، نتایج مهمی در ساختار قدرت و تصمیم‌گیری به‌جای گذارد، و تلاش می‌کرد، هم‌زمان با مشروعیت الهی، مشروعیت مردمی را در خود داشته باشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه سیاسی-اجتماعی مهمترین چالش در مورد نوع نظام سیاسی در کشور و یا نحوه ارتباط اسلام و دموکراسی بود. این چالش هنگام رفتارندم نوع نظام سیاسی در کشور مطرح شد و در تدوین قانون اساسی به اوج خود رسید و جریان‌های

مختلف فکری به اظهار نظر در مورد الگوهای خود، و نحوه ارتباط بین دین و دموکراسی پرداختند. مکانیسم تلفیق اسلام و جمهوریت و مبحث آزادی‌های سیاسی-اجتماعی و بحث موضوع تساوی حقوق ملت و برابر اقلیت‌ها با مسلمانان و برابری زنان و مردان از دیگر موضوعات چالش‌برانگیز بین این جریان‌هاست مختلف بود (Fyrahi, ۲۰۰۵: ۲۴۹).

مردم‌سالاری دینی جوهره مردم‌سالاری را به رسمیت می‌شناسد. اما با پذیرش مرجعیت دین به عنوان منبع معرفت‌شناختی، به توجیه، تحلیل و تبیین آن می‌پردازد. جوهره مردم‌سالاری پذیرش حکومت مردم است که بر اساس آن، دموکراسی حکومتی جمعی دانسته می‌شود که در آن اعضای اجتماعی به طور مستقیم یا غیر مستقیم در گرفتن تصمیم‌هایی که به آن‌ها مربوط می‌شود، شرکت دارند و یا می‌توانند شرکت داشته باشند. بنابراین در مردم‌سالاری، حکومت از ماهیت مردم برخوردار می‌گردد و هویت جمعی مردم به طور مشخص در عرصه قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری ظاهر می‌شود (MirAhmadi, ۲۰۱۶: ۱۵). درگفتمان مردم‌سالاری دینی گرچه مشروعیت در نظام ولایی در گرو انتصاب الهی است و مردم نقشی در این انتصاب ندارند و در عصر حضور حاکمیت به معصوم منحصر می‌شود، لکن، این قضیه نافی نقش جدی مردم در این نظم سیاسی نیست، مردم از حق نظارت به کارگزاران، بلکه از حق مشورت نیز بهره می‌برند. در مردم‌سالاری دینی؛ کارآمدی نظام در گرو مشارکت سیاسی مردم است، مردم از جایگاه نظارتی بر حاکم و کارگزاران برخوردارند، از نخبگان و متخصصان در فرایند مشورت‌خواهی بهره‌گیری می‌شود، از نظر توده مردم در فرایند شورا استفاده می‌شود، مردم به موازات تکالیف خود از حقوق بسیاری در عرصه حاکمیت سیاسی برخوردارند. حاکمان جز در سایه رضایت مردم، متصدی اداره امور جامعه نمی‌شوند و آزادی‌های عمومی در گستره حریم شخصی افراد پذیرفته شده است و قوانینی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز همه افراد به عنوان

شهروند محور عمل قرار می‌گیرد (Izdehi, ۲۰۱۹: ۲۱).

۲-۴) آینده‌نگری

در مسأله‌شناسی آینده انقلاب اسلامی طراحی الگوی پیشرفت گام مهمی در ترسیم چشم انداز مطلوب می‌باشد. چشم‌انداز سند بایستی مبتنی بر آینده طراحی شود که بتوان سند را به افقی رساند که فرایندها به خوبی در آن مشخص شود. می‌توان تمام امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری را در نظر گرفت. الگوسازی براساس آموزه‌های ایرانی و اسلامی در حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد، منابع انسانی، ورزش، حمل و نقل، سلامت، رسانه، مدیریت، محیط‌زیست، گردشگری مستلزم آینده‌نگری است. از آنجا که الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی دارای دو برش بشری (بعد ایرانی الگو) و الهی است، پژوهش‌گران، آینده‌پژوهی را مناسب‌ترین راه دستیابی به این الگو تشخیص داده‌اند. ملت ایران اگرچه میراث عظیمی از معارف و تمدنی به قدمت ایران باستان دارد، اما هنوز راه درازی در آینده‌پژوهی هویت خود دارند. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به دلیل ظرفیت‌سازی آینده مطلوب انقلاب اسلامی به‌عنوان کامل‌ترین جامع‌ترین و فراگیرترین الگوی آینده مدیریت بر تحولات منطقه‌ای و جهانی برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید و با این هدف، الگوی پایه به عنوان ترسیم نقشه راه تدوین گردیده و برای نیل به این هدف تلاش شد با تعیین ظرفیت‌های آینده‌پژوهی خصوصاً در لایه معرفتی و نیز آینده‌نگاری در لایه کاربردی به این احساس نیاز که رمز ماندگاری نظام اسلامی و پویایی آن در آینده خواهد بود پرداخته شود. مسأله آینده جمهوری اسلامی در محیط پیچیده فردا در ساخت الگوی پیشرفت با مختصاتی که بتواند از برتری و اثربخشی بالای برخوردار باشد و قدرت جذب و پاسخگویی بالایی داشته باشد در سایه آینده‌نگاری میسر است که این امر در تدوین الگوی پایه مورد تأکید قرار داشت (Eyvazi, ۲۰۱۶: ۱۸۱) اکنون باید دقت کرد که در

آمایش هویتی ایرانی، عناصر زیر محوریت عمل قرار گیرند:

۱. آرمان‌های دینی؛ دین هدف، فلسفه خلقت و در نتیجه شأن و مقصد پیشرفت و تعالی انسان را در الگوی پیشرفت نشان می‌دهد.

۲. میهن و متعلقین تمدنی و تاریخی (زبان، پرچم، پیشینه ملی و ایران‌شهری و پیشینه عدالت خواهی و غیره)؛ این موضوع تسلسل تاریخی و عزت ملی فراتر از منطقه، قوم یا مکان، بلکه در سایه مشترکات تاریخی و سرزمینی مانند پرچم و گذشته تمدنی ایران را فراهم می‌کند.

۳. فضای اکولوژیک و بوم؛ تعلقات، دل‌بستگی‌ها و تعریف‌های هویتی حول بوم و طبیعت محل سکونت اعم از شهر، روستا یا منطقه را باز نمایی می‌کند.

۴. خانواده و اصالت قومی؛ این شاخص، متغیرهای حول اصالت، تربیت، وفاداری، همبستگی گروهی و هنجارهای تولید مثل را تشریح می‌کند.

۵. هنر، ذوق و خلاقیت فردی؛ این مفهوم، متغیرهای شخصیتی، انگیزشی، عاطفی و نیز خلاقیت، نوآوری و ریسک‌پذیری را نشان می‌دهد. این عوامل ضرورت الگوی هویت مدار و بومی‌پیشرفت در ایران هستند. اما در این مسیر، تعریف ما درباره هر یک از این عناصر، بر مراحل بعدی حرکت و استمرار مسیر تأثیرگذار است.

۳-۴) بومی‌سازی

مغفول مانند مضامین ایرانی هویت‌ملی در الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی چشم‌گیر است. معمولاً در هر الگوی پیشرفتی دو بعد عام گرا و خاص گرا باید در اهداف مورد توجه قرار گیرد. در مورد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، می‌توان نگاه خاص و بومی را با تمرکز بر متغیرهای سرزمینی، مکانی و بومی به پیش‌برد. به دلیل دگرگونی‌های سریع جامعه، الگوهای اجتماعی مدرن، سنت‌های کهن را ضعیف می‌کنند و هم‌زمان الگوهای جدیدی به وجود

می‌آورند، نمونه آن، گرایش جوانان و نوجوانان دهه هشتاد و نودی ایرانی به مدل‌ها، شخصیت‌ها و موسیقی‌های کره‌ای است. جان بخشیدن به سنت‌های ملی در قالب ابتکاری، راه‌کار است. می‌توان ذخایر عظیمی از اجزا و مصالح و ابزارهای مجهز کهن ایرانی گردهم‌آورد و سنت‌های ابتکاری تازه‌ای برای مقاصد کاملاً جدید در راستای هویت ایرانی ساخت. گاهی سنت‌های جدید را می‌توان به سنت‌های قدیم پیوند زد و با عاریه گرفتن از ابزارهای مجهز مفاهیم اخلاقی، رسوم و عرف تأمین کرد، می‌توان عناصر مذهبی را با رگه‌های میهن‌دوستی درآمیخت. با شرایط جدید دولت‌های ملی، نه فقط سمبل‌ها و لوازم جدید مانند پرچم، سرودهای ملی، مسابقات ورزشی به وجود می‌آورند، بلکه لازم است جهت تداوم مؤثر تاریخی، نوع ابداعی از این سمبل‌های ملی، مثل؛ ورزش‌های باستانی و سرودها، ترانه‌های باستانی در آموزش و پرورش برای مقاصد ملی را باب کرد، به مولفه‌های ایرانی در کنار مفاهیم اسلامی در درس‌معارف دانشگاهی توجه کرد، فیلم‌ها، انیمیشن‌ها، سریال‌های باستانی به صورت مبتکرانه‌ای ساخت. برای مثال؛ بومی‌سازی در حوزه محیط‌زیست؛ دانش‌بومی وسیع و عمیق ایرانیان در ارتباط با طبیعت، نشان‌دهنده انطباق فعالیت‌های آنان با اصول اکولوژیکی است، به گونه‌ای که طی قرن‌ها پایداری اکوسیستم‌ها را حفظ می‌نموده است. عشق به طبیعت و زیبایی‌های موجود در ادبیات و فرهنگ غنی ایرانی اسلامی، به زیباترین و بالاترین شاخصی دیگر در این وجه ممکن است. می‌توان به نسخه‌ای منحصر به فرد از پایداری دست یافت که ارائه دهنده راهکارهای بسیار ارزشمندی در جهت سیاست‌گذاری‌های کلی در باب مسائل زیست محیطی باشد و این زمانی میسر خواهد بود که تحولی اساسی در ساختارهای، اقتصادی و اجتماعی توسط انسان به‌عنوان مهمترین رکن توسعه در جامعه رخ دهد و این امر به مدد برقراری عدالت اجتماعی قابل دستیابی خواهد بود (vahhabi, ۲۰۲۲: ۲۳۲)

با درک خصلت و جاذبه ملت ایرانی، می‌توان تداومی با گذشته برقرار کرد. این اقدامات به‌نوعی پاسخ‌هایی است به وضعیت جدید که شکل ارجاع وضعیت‌های قدیم را به خود می‌گیرند یا گذشته خود را با تکراری کمایش برقرار می‌سازند. در این راه انعطاف‌پذیری و حفظ حرمت سابقه و تداوم در عناصر هویت ملی جهت رفع نیازهای جدید تمدنی حائز اهمیت است.

نتیجه‌گیری

منظور از هویت ایرانی، نه ایرانی‌یتی که برخی به تازگی ادعای بازخوانی قرن بیست و یکمی از کوروش را دارند، و نه ایرانی‌یتی که ادعای نعشه‌آور بیست و پنج قرن امپراتوری ایرانی بر اساس ناسیونالیسم باستانی است. در حالی که تدوین الگو می‌پردازیم، که جوانان و نوجوان نسل جدید انقلاب اسلامی، با هویت‌های غربی و شرقی درگیرند. الگوی «پیشرفت» بومی بایستی بدیلی مناسب برای «توسعه» غربی، براساس هویت ایرانی-اسلامی منطبق با نیازهای نوین باشد و برای حرکت در مسیر، لحاظ علمی و اجرایی و کارآمدی و برای تحقق وضعیتی که شایسته‌ی ملت ایران در دوره زمانی پنجاه سال آینده است، طراحی شود. در این راستا هم می‌توان به آموزه‌های اسلامی و هم بر مبنای هویت ایرانی، که با استفاده از دستاوردهای علمی و تجربی انسانی که در چند هزار سال در ایران می‌زیسته، پرداخت. ولی این پارادوکس را بایستی با هم‌گرایی نظری در حوزه هویت ملی و اسلامی حل کرد و مبانی معرفتی و هویتی اسلامی و ایرانی را فراهم نمود. در الگوی پیشرفت ایرانی اصل، مسأله و محتوا، همان هویت است. این عنصر مقدمه و بنیان الگوی ایرانی پیشرفت است. می‌توان در الزامات سند به‌طور خاص در ابعاد نظری و عملی به بومی‌سازی، آینده‌نگری و مردم‌سالاری دینی پرداخته شود و با گسترش و تقویت تشکلهای مردمی، ارتقاء نظارت مردمی، آموزش و ترویج حقوق و تکالیف شهروندی توجه کرد. در فرایند اجرای سند الگو، هم ویژگی‌های سرزمینی ایران و نیز

خصلت‌ها و هویت برآمده از تاریخ و فرهنگ ایرانیان که بستر عملیاتی شدن الگو و عاملان به فعلیت درآوردن محتوای آن هستند، مورد ملاحظه و استناد قرار گیرد. شاخص‌های تبیین‌کننده ایرانی بودن، می‌تواند از زوایا و منظرهای مختلف الگو تعریف شود و در عملیاتی کردن الگو درکی واقع‌بینانه از سهم نقش و اهمیت فرهنگ در عرصه زیست اجتماعی انسان ایرانی را در نظر گرفت. در گام دوم انقلاب، شرایط جدید دولت‌های ملی سخت شده است، در این فرایند بایستی به درک خصلت و جاذبه ملتها و برقراری تداوم موثر تاریخی با گذشته، جان بخشیدن به سنت‌های ملی، گردآوری ذخایر عظیمی از اجزا و مصالح کهن ایرانی، پیوند زدن سنت‌های جدید به سنت‌های قدیم، استفاده از هنر در آمیزش عناصر مذهبی با رگه‌های میهن‌دوستی توجه نمود. این اقدامات به‌نوعی پاسخ‌هایی است به وضعیت جدید است که شکل ارجاع وضعیت‌های قدیم را به خود می‌گیرند یا گذشته خود را با تکراری کمابیش برقرار می‌سازند. در این راه انعطاف‌پذیری و حفظ حرمت سابقه و تداوم در عناصر هویت ملی جهت رفع نیازهای جدید تمدنی، توجه به مسائل، پارادایم‌ها و چشم‌اندازهای آینده در ایران؛ مثل، «جنسیت و ملت» و روایت‌های جدید از هویت ملی ایرانی حائز اهمیت است. آسیب‌هایی نیز پیش روی این فرایند خواهد بود، ممکن است مواضع ایدئولوژیک و جهت‌گیری‌های مختلف ارزشی در پیش‌برد الگو، گرایش متضادی نسبت به پدیده‌های قومی و ملی داشته باشند. البته جنبه مثبت این مواضع این است که در آینده، به تعیین مسائل و سلايق پژوهشی مختلف مثل ملی‌گرایی مدنی، جنسیت، ملت، هویت چند رگه و جهانی شدن کمک نماید

- Abolhamd, Abdulhamid (۱۹۷۱), "Nation, its discovery and evolution", Journal of law and political science, NO. ۱, pp, ۸-۲۲, [in Persian]
- Ahmadi, Hamid (۲۰۰۸) Foundations of Iranian National Identity, Tehran: Research Institute of Social-Cultural Studies, Ministry of Science, Research and Technology, [in Persian]
- Ahmadi, Hamid, (۲۰۰۳) "Iranian national identity in the scope of history", National Studies Quarterly, Number ۱۰, pp, ۹-۴۷, [in Persian]
- Ahmadi, Hamid, (۲۰۰۴), Identity and ethnicity in Iran, Tehran: Jahad University Humanities and Social Sciences Research School, [in Persian]
- Amid, Hassan (۱۹۰۸), Farhang-e-Amid, Tehran: IbnSina Library, [in Persian]
- Anbari, Musa (۲۰۱۱), "Positions and breakthroughs of threats in compiling the Iranian Islamic model of progress", Studies on the model of Islamic and Iranian progress, N۰, ۲, pp ۱۱۲-۸۸, [in Persian]
- Arab, Mahdi (۲۰۱۸), "Iranian Islamic Model of Progress, Necessities and Obstacles" The First Meeting of Strategic Thoughts of Iranian Islamic Model of Progress Secretariat of Strategic Thoughts Meeting, pp, ۲۳۶-۲۴۹, [in Persian]
- Ashraf, Ahmed (۲۰۰۴) National and ethnic identity crisis in Iran, [in Persian] Tehran: Humanities Research and Development Institute, Avini, Syed Morteza (۲۰۱۹), Development and foundations of the West, Tehran: vahe, [in Persian]
- Boroujerdi, M, (۲۰۰۴), "Iranian culture and identity beyond the borders", Introduction to Iranian culture and identity, Maryam Sani Jalal, Tehran: Iranian Civilization Publications, [in Persian]
- Chalmers, Ellen F, (۱۹۹۰), What is this thing called science , Translation, Saeed Ziba Kalam, Tehran: samt, [in Persian]
- Cohen, Thomas, (۲۰۱۰), The structure of scientific revolutions, translated by Saeed Ziba Kalam, Tehran: Samt Publications, [in Persian]
- and Culture Agency, Identity Formation, Cot,j,E,&Levine,C,G,(۲۰۰۲) :A Social Psychological Synthesis, Mahwah, NJ:Lawrence Erlbaum Associates, <https://doi.org/۱۰.۴۳۲۴/۹۷۸۱۴۱۰.۶۱۲۱۹۹>
- Emami, Seyyed Majid (۲۰۱۲) Shiite sociology and the possibility or refusal of the model of progress in the Islamic Republic of Iran "Islam

- [in Persian] and social studies" No, ۳, pp, ۴۵-۶۶
- Emami, Syed mojtaba (۲۰۱۸), A reflection on what is a model in: Iranian Islamic model of progress from the perspective of general policy "Studies of Public Administration in Iran", Second period, NO. [in Persian] ۱, ۳۳, ۱-۲۳,
- eyvazi, Mohammad Rahim (۲۰۱۶), Future political research, Strategy, No, ۲۵, pp, ۱۷۷-۱۹۸, [in Persian]
- dor.isc.ac/dor/۲۰,۱۰۰۱,۱,۱۰۲۸۳۱۰۲,۱۳۹۵,۲۵,۲,۶,۸(https:
- Izdehi, Sajad(۲۰۱۹), "Political theories in Shiite jurisprudence and their capacity measurement regarding political participation", Journal of Political Science, NO. ۶۶, pp, ۱۱۵-۱۳۶, [in Persian]
- Fouzi, Yahya (۱۹۹۷) The concept of progress "Islamic Revolution Studies Quarterly" ۱۰th year, No, ۵۲, pp, ۱۵۹-۱۸۰, [in Persian]
- Fyrahi, Davud (۲۰۰۵), "Shiite and deliberative democracy in Iran" Journal of the Faculty of Law and Political Science, Number ۶۷, pp, ۵۴-۳۸, [in Persian]
- Gudarzi, Hossein (۲۰۱۳), Basic concepts in ethnic studies, Tehran: Iranian Civilization Publications, [in Persian]
- Hajiani, Ibrahim (۱۹۹۳), "National identity, Examining the role of relatives" in; Ethnic,relations and national unity, Collection of scientific conference speeches, Tehran: Ministry of Interior Social Affairs, [in Persian]
- dor.isc.ac/dor/۲۰,۱۰۰۱,۱,۱۷۳۵۰۵۹,۱۳۸۱,۳,۱۲,۴,۹(Persian)
- Harati, Mohammad Javad and Ali Azermi (۲۰۰۰), "Formulation of the concept of progress in postmodern Hegelian approaches and patterns of Islamic Iranian progress", Islamic Revolution Studies, Vol. ۱۵, Number ۵۲, pp, ۱۵۹-۱۸۰, [in Persian]
- Harsiji, H, & Tuiserkani, M (۲۰۱۹), "The influence of Iranian identity building components on the soft power of the Islamic Republic of Iran", Cultural Research Quarterly, N, ۹, pp ۱۵۱-۱۸۰, [in Persian]
- doi.org/۱۰,۷۵۰۸/ijcr.۲۰۱۰,۰۹,۰۰۵(
- Hausbaum, Eric J (۲۰۰۴), Nation and Nationalism, Translated by Kazem Firouzmand, Tehran: Damon Publications, [in Persian]
- Jafarian, Rasul (۲۰۰۸), Components of national identity in the struggle of Iran's developments in the last four centuries, Tehran: Cultural Studies and Human Sciences, [in Persian]
- Jalaipour, Hamid Reza (۲۰۱۱), "Defense of civil nationalism", Mehname, No, ۶, November, pp, ۳۴-۴۴, [in Persian]

- Khosrupanah, Abdul Hossein, (۲۰۲۲), Contemporary Iranian intellectual currents, Qom: Nashr Maarif, [in Persian]
- Madadpour, M (۲۰۰۸), Esoteric epistemology and logic of interpretation, Tehran: Monadi Tarbiat Publications, [in Persian]
- Mansoornejad, Mohammad (۲۰۰۴), A reflection on Javad Tabatabai's view of Iranian identity in interaction with Islamic and Western identity, Quarterly Journal of National Studies, Fifth Period, Number ۲۰, pp, ۹-۳۰, [in Persian]
- MirAhmadi, Mansour (۲۰۱۶), "New critical theory, Democratic consultative order in religious democracy", Political science research journal, Number ۱, pp, ۱۹۶-۲۲۶, [in Persian]
- Morvar, Mohammad (۲۰۰۴), Iranian identity in the thought of Reza Davari Ardakani, National Studies Quarterly, Fifth year, Number ۴, [in Persian] <https://doi.org/10.1001/1.17350.059.1383.5.20.2.7>
- Motahari, Mortaza (۱۹۹۶), Mutual services of Iran and Islam, ۱۳, Tehran: Sadra Publications, [in Persian]. Collection of works, vol ۱۳
- Najafi, Moussa (۲۰۱۹), Identity, Tehran: Arma Publications, [in Persian]
- Patrik Morag, (۲۰۰۰), Identity and the Politics of Recognition, in noel'sullivan political theory in transition London: Routledge
- Pirouzman, Alireza (۲۰۱۶), "Presenting a strategic model for preserving and promoting Iranian Islamic identity through compiling the experiences of the Islamic Republic of Iran system based on the discourse of religious authority and the constitution", Interdisciplinary studies of strategic knowledge, pp, ۱۳۳-۱۶۲, [in Persian]
- Qaiseri, Noorollah (۱۹۹۲), "Arab Ethnicity and National Identity in Iran", Strategic Studies Quarterly, Issue ۱, pp, ۸۳-۹۴, [in Persian] <https://doi.org/10.1001/1.17350.727.1377.1.1.4.5>
- Qobadi, H, Ghiyathuddin (۲۰۰۴), Capacities of Persian literature in recovering Iranian identity", In: Iranian Identity, Tehran: Jahad University Humanities and Social Sciences Research School, [in Persian]
- Rajaei, Farhang (۲۰۰۶), The identity problem of Iranians today, Tehran: nashreney, [in Persian]
- Ravasani, Shapur, (۲۰۰۸), Social contexts of national identity, Tehran: Center for Recognizing Islam and Iran, [in Persian]
- Rostagari Fasaee, Mansour, (۲۰۰۴), "Iranian identity in Persian

- literature until the Mongol invasion", Journal of Humanities and Social Sciences of Shiraz University, ۲۲nd period, first issue, pp, ۲۲-۳۸, [in Persian]
- Rush, Michael (۲۰۰۸), Society and Politics, Translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Samt, [in Persian]
- Saeed, Edward (۱۹۷۹), Orientalism, Translation, Lotfali Khonji, Tehran: AmirKabir Publications, [in Persian]
- Salimifar, Mustafa (۲۰۰۸), "An introduction to the model of Iranian Islamic development", the first meeting of strategic ideas, pp, ۳۷-۵۲, [in Persian]
- Saqebfar, Morteza (۲۰۱۳), Ancient Iran and Iranian Identity, Tehran: Institute for Research and Development of Human Sciences, [in Persian]
- SheikhAvandi, davar (۲۰۰۲), Iranian identity, Tehran: Center for Recognizing Islam and Iran, [in Persian]
- (۲۰۱۴) Nationalism, Theory, Ideology and History, Smith, Anthony Translation by Mansour Ansari, Tehran: Center for National Studies, [in Persian]
- Tabatabai-Motmani, Manochehr (۲۰۰۱), Fundamental Rights, Tehran: Mizan Publications, [in Persian]
- Tahaei, Javad (۲۰۱۶), "The ۵۷th Revolution, the Development of the Philosophy of Iranian History", Quarterly Journal of Social and Cultural Strategy, number ۲۵, pp, ۷-۳۱, [in Persian]
<https://dor.isc.ac/dor/۲۰,۱۰۰۱,۱,۲۲۵۱۷۰۸۱,۱۳۹۶,۶,۴,۱,۹>
- Tajik, Mohammad Reza (۲۰۱۲), "Religious democracy towards a dominant discourse", Islamic University Quarterly, Number ۲۰, pp, ۶۱-۷۷, [□□ □□□□□□]
- Vahhabi, Mohammedreza (۲۰۲۲), "Explaining the place of natural resources and environment in the Islamic-Iranian model of progress", Quarter Scientific Research Journal of Iranian Islamic Development Model Studies ,pp, ۲۹۸-۳۱۸ [in Persian]
- Zahedi Mazandarani, Mohammad Javad (۲۰۱۸), "Criticism of the Iranian Islamic Basic Model Document of Progress from the Perspective of Development Requirements" Space Planning and ۲۳, pp, ۵۹-۷۷, [in Persian]. Design Quarterly, Vol
- Zolfigol, Mohammad Ali (۲۰۱۱), "Foresight and progress", Iranian Islamic model of progress newsletter, Number ۵, pp, ۲۸-۴۴

